

## بازتاب انقلاب اسلامی بر جنبش اخوان المسلمین سوریه

\* عنایت‌الله یزدانی

\*\* طالب ابراهیمی

\*\*\* یوسف جعفری

### چکیده

انقلاب اسلامی ایران، دارای پیامدهای زیادی در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده که از جمله آنها می‌توان تأثیرگذاری بر جنبش‌های اسلامی و احیای مجدد در روحیه اسلام‌گرایی را نام برد. نقطه اوج این تأثیر را می‌توان در گسترش موج بیداری اسلامی در بیش از یک سال گذشته در برخی از کشورهای اسلامی آفریقا و خاورمیانه مشاهده کرد. در این مقاله سعی بر آن است تا با تجزیه و تحلیل روند شکل‌گیری و اصول و اقدامات جنبش اخوان‌المسلمین سوریه به بررسی و تحلیل تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر این جنبش پرداخته شود.

### واژگان کلیدی

اخوان المسلمین، انقلاب اسلامی، جنبش‌های اسلامی، جنبش‌های سیاسی.

yazden2006@yahoo.com

taleb\_ebrahimi2002@yahoo.com

ebrahimii63@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۹/۲۰

\*. دانشیار دانشگاه اصفهان.

\*\* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل.

\*\*\* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل.

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۱۰

## مقدمه

امام خمینی درباره انقلاب اسلامی ایران فرمودند:

انقلاب ما منحصر به ایران نیست؛ انقلاب مردم ایران آغاز انقلاب بزرگ جهان اسلام است. (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۹۲)

گسترش موج حرکت‌های اسلامی و اوج‌گیری نهضت‌های بنیادگرایی در منطقه کشورهای مسلمان به یکی از عمده‌ترین پدیده‌های سیاسی دهه هفتاد و در واقع نیمه دوم قرن بیستم تبدیل شده است. اگرچه انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک انقلاب شیعی شناخته شده است، اما عقیده مشترک، یعنی اعتقاد به وحدانیت خدا، قرآن، رسالت پیامبر ﷺ، ایمان، برادری، برابری و از طرفی ویژگی کارزمایی امام خمینی علیه السلام و مواضع ضداستبدادی و ضداستعماری وی (که بیشتر مسلمانان جهان اتفاق نظر دارند) باعث اثرپذیری این جنبش‌ها از انقلاب اسلامی ایران شده است. به اعتقاد بسیاری از رهبران این جنبش‌ها، اقدامات امام مانند ایجاد دارالتقرب فرقه‌های اسلامی، اعلام روز قدس، صدور فتوا بر ضد سلمان‌رشدی، نامگذاری هفته وحدت و... برای اتحاد مسلمانان بوده است. به همین دلیل، جای شگفتی نیست که بیشتر گروه‌های اسلامی غیرشیعی و حتی برخی از جنبش‌های آزادی‌بخش، از انقلاب اسلامی ایران الگو گرفته‌اند. نتیجه چنین الگوپذیری‌ای گسترش بیداری اسلامی، حرکت‌های ضداستبدادی و به‌وجود آمدن بهار ملت‌های مسلمان عرب در کشورهای اسلامی آفریقا و خاورمیانه در ماه‌های اخیر، بوده است.

در این مقاله برآنیم تا به‌صورت گذرا تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش اخوان المسلمین سوریه را بررسی کنیم. در این‌باره سؤال اساسی این است که انقلاب اسلامی ایران بر جنبش اسلامی اخوان المسلمین سوریه چه تأثیری داشته و روند تشکیل، گسترش و فعالیت جنبش اسلامی اخوان المسلمین سوریه چگونه بوده است؟ در این مورد فرضیه مقاله این است که انقلاب اسلامی ایران به‌طور غیرمستقیم سبب افزایش ظرفیت و فعالیت رفتاری جنبش اسلامی اخوان المسلمین سوریه شده است.

## کشور سوریه و پیشینه تاریخی آن: بررسی مختصر

کشور سوریه با مساحت ۱۸۵/۱۸۰ کیلومترمربع و جمعیتی در حدود ۱۸۰۱۶۸۷۴ نفر، از

شمال به ترکیه، از غرب به لبنان و دریای مدیترانه، از جنوب به اردن و فلسطین و از شرق به عراق محدود می‌شود. (بی‌نا، ۱۳۸۹ الف: ۱) بیش از ۷۰٪ جمعیت آن سنی‌مذهب، و ۱۰٪ مسیحی (شامل ارامنه) هستند؛ ۲ الی ۳٪ شیعه دوازده‌امامی که بیشتر در شهر دمشق و بصری و روستاهای اطراف حمص و حلب ساکنند؛ بیش از ۱۲٪ از جمعیت این کشور را علوی‌ها تشکیل می‌دهند که در استان‌های لاذقیه، طرطوس، حمص و اطراف مصیاف پراکنده هستند؛ حدود ۳٪ از جمعیت سوریه دروزی هستند که مرکز تجمع آنان استان سویداء واقع در جنوب سوریه است و نزدیک به ۱٪ از سوری‌ها را اسماعیلی‌ها تشکیل می‌دهند. (ویکی‌پدیا، ۲۰۱۰)

۱۵۰۰ سال قبل از میلاد، مصری‌ها و پس از آن فینیقی‌ها، آشوری‌ها، ایرانیان و یونانیان، هر یک مدتی بر سوریه حکومت کردند. در سال ۶۴۴ قبل از میلاد، سوریه به‌دست امپراتوری روم افتاد و در سال ۶۳۶ میلادی در کنترل اعراب قرار گرفت؛ در سال ۹۷۷ میلادی شمال سوریه به امپراتوری بیزانس واگذار شد و بقیه کشور در دست فاطمیان باقی ماند؛ در سال ۱۰۲۷ میلادی به‌دست حکام حلب افتاد و پس از آن در سال ۱۰۷۵ میلادی به‌تصرف سلجوقیان درآمد؛ در زمان جنگ‌های صلیبی قسمت‌هایی از آن در دست صلیبیان قرار گرفت و پس از مدتی سلسله قدرتمند مملوک توانست صلیبیان را شکست دهد؛ در سال ۱۵۱۶ ترکان عثمانی توانستند سوریه را ضمیمه امپراتوری خود کنند و تا پایان جنگ جهانی اول بر آن مسلط باشند؛ پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، براساس موافقت‌نامه «سایکس - پیکو»<sup>۱</sup> نواحی ساحلی سوریه و لبنان در اختیار فرانسویان و مناطق جنوبی زیر نظر انگلستان بود؛ تنها مناطق مرکزی شامل حلب، حمص، حماه و دمشق در دست اعراب و

۱. در تیر ۱۲۹۳ ش. / آوریل ۱۹۱۴ م. نخستین ملاقات و مکاتبات میان انگلیسی‌ها و عرب‌های مخالف عثمانی صورت گرفت که نتیجه آن، آغاز مکاتبات هشت‌گانه شریف حسین و مک ماهان بود. اما انگلیس بدون توجه به تعهدی که درباره تشکیل حکومت مستقل عربی داشت، مذاکرات محرمانه‌ای را نخست با فرانسه (دی ۱۲۹۴ ش. / اکتبر ۱۹۱۵ م.) و سپس با روسیه و فرانسه (خرداد ۱۲۹۵ ش. / ۱۹۱۶ م.) آغاز کرد که سرانجام به دستیابی انگلیس و فرانسه به یک فرمول موقت (اردیبهشت ۱۲۹۵ ش. / فوریه ۱۹۱۶ م.) و سپس تصویب فرمول دائم (پیمان سایکس - پیکو) میان سه کشور روسیه، انگلیس و فرانسه درباره تقسیم سرزمین‌های عربی امپراتوری عثمانی انجامید.

زیر نظر ملک فیصل پسر حسین (شریف مکّه) باقی ماند. (بی‌نا، ۱۳۸۷: ۲۵)

ملی‌گرایان سوریه در مارس ۱۹۲۰، سوریه را یک پادشاهی مستقل شامل لبنان و فلسطین اعلام کردند، اما فرانسه - که در آوریل همان سال از سوی کنفرانس «سن رمّو» سرپرست تمام سوریه شده بود - در ماه ژوئیه دمشق را اشغال کرد. (بی‌نا، ۱۳۸۹: ۴) در سال ۱۹۴۱، نارضایتی سوری‌ها به شکل شورش علنی درآمد و دولت فرانسه احتمال برپایی یک دولت نیمه‌مستقل را نوید داد. سرانجام، انتخابات دولت ملی در اوت ۱۹۴۳ برپا و «شکری القوتلی» رئیس‌جمهور سوریه شد. در سال ۱۹۴۵، فرانسویان و در سال ۱۹۴۶، انگلیسی‌ها از سوریه خارج شدند و استقلال کامل سوریه حاصل شد.

سوریه پس از استقلال دچار یک بی‌ثباتی طولانی شد. ستیزهای پیچیده اقتصادی با لبنان (۱۹۵۰ - ۱۹۴۸) و طرح‌های گوناگون برای وحدت با عراق و مصر، افکار عمومی کشور و اتحادیه عرب را در دو جهت مخالف یکدیگر قرار داد و در این مدت، دولت دمشق همراه مصر و عربستان در برابر عراق و اردن صف‌آرایی کرد. این رقابت‌ها و همچنین ناتوانی در جنگ ۱۹۴۸ فلسطین و وابستگی مستمر مالی به فرانسه سبب ناآرامی بیشتر مردم و پیش‌درآمد مناسبی برای چندین کودتا شد. در سال ۱۹۵۸ مصر و سوریه با هم متحد شدند و جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور جمهوری متحد عربی شد؛ این اتحاد تا سال ۱۹۶۱ ادامه داشت. در سال ۱۹۶۳ حزب بعث به قدرت رسید. (برزین، ۱۳۶۵: ۷۳) از جمله اقدامات این حزب، انتقال زمین‌های کشاورزی به روستاییان تهیدست، ملی‌کردن بانک‌ها و مؤسسات صنعتی، صنایع نساجی، مواد غذایی، بازرگانی خارجی، حمل‌ونقل و شرکت‌های بیمه بود.

#### اهداف حزب بعث سوریه

۱.	میهن عربی واحد سیاسی و اقتصادی تجزیه‌ناپذیری است.
۲.	ملت عرب یک واحد فرهنگی است و تمام اختلافات آن با بیداری اعراب از بین خواهد رفت.
۳.	میهن عربی از آن اعراب است و فقط آنان حق دارند امور اعراب را اداره کنند، از ثروت‌های آن بهره ببرند و سرنوشت آن را به‌دست گیرند.

منبع: سعیدی، ۱۳۷۴: ۱۵.

با ادامه مبارزات درون‌حزبی در حزب بعث، «حافظ اسد» در سال ۱۹۷۰ با پشتیبانی ارتش قدرت را در دست گرفت. وی تا سال ۲۰۰۰ - که فوت کرد - قدرت را در دست داشت و با فوت او، فرزندش «بشار اسد» قدرت را به دست گرفت.

براساس قانون اساسی ۱۹۷۳، جمهوری عربی سوریه کشوری دموکراتیک خلقی و سوسیالیستی نامیده شد که رژیم آن، جمهوری و حاکمیت از آن ملت است؛ دین رئیس‌جمهور، اسلام و حزب سوسیالیست بعث عربی، حزب حاکم جامعه و کشور است. رئیس‌جمهور برای یک دوره هفت‌ساله انتخاب می‌شود. کشور، دارای یک مجلس است که ۵۰/۸ درصد کرسی‌ها متعلق به بخش کارگران و کشاورزان و ۴۹/۲ درصد مابقی، متعلق به دیگر اقشار مردم است. رئیس‌جمهور توسط مردم انتخاب و کابینه، مجلس خلق و مؤسسات نظامی و غیرنظامی سوریه مستقیماً زیر نظر ریاست جمهوری اداره می‌شود.

### روند تشکیل، گسترش و فعالیت جنبش اسلامی اخوان المسلمین سوریه

اخوان المسلمین مهم‌ترین نهضت اسلامی سنی دوران معاصر است که حدود ۷۸ سال قبل در کشور مصر ایجاد شد؛ نهضتی که حسن البنا در ۱۹۲۹ مصر پدید آورد و ایدئولوژی آن آیین اسلام است و در اصول سیاسی و اجتماعی خواهان بازگشت به اصول حکومت اسلامی در قرن‌های اولیه آن است. این نهضت، پشتیبانی مسلمانان همه طبقات را در داخل و خارج مصر جلب کرد و در پایان جنگ جهانی دوم در حدود دو میلیون نفر عضو داشت که بیش از یک‌چهارم آنها مصری بودند. این نهضت نفوذ زیادی در دولت‌های عرب و به‌ویژه مصر داشت.

### اصول و دیدگاه‌های اخوان المسلمین

ردیف	اصول	تبیین
۱	اصل علمی	ارائه یک تفسیر دقیق از قرآن و دفاع از آن در برابر تفسیرهای نادرست
۲	اصل عملی	دعوت مصر و دولت‌های اسلامی براساس اصول قرآنی
۳	اصل اقتصادی	گسترش ثروت ملی و حفاظت از آن و بالابردن سطح زندگی مردم و تحقق عدالت

ردیف	اصول	تبیین
۴	اجتماعی نوع‌دوستانه	مبارزه با جهل، بیکاری و فقر
۵	ناسیونالیستی و میهن‌دوستانه	آزادسازی دره نیل و تمامی کشورهای عرب و در نهایت همه دنیای اسلام
۶	انسان‌گرایانه و جهانی	ترویج صلح جهانی و تمدن انسانی طبق بنیادهای جدید مادی و معنوی اسلام

منبع: آقایی و صفوی، ۱۳۶۵: ۱۵.

اخوان المسلمین سوریه در سال ۱۹۳۵، در شهر حلب به‌وسیله «مصطفی السیاعی» با پیروی از اخوان مصر به‌منظور مقابله با اشغال سوریه از سوی فرانسه و سروسامان دادن به اوضاع نابسامان اقتصادی و رفع شکاف موجود بین جهان عرب از طریق احیای اسلام به‌وجود آمد. در سال ۱۹۳۷، گروه کوچکی از جوانان سوری مرکب از دانشجویان دانشگاه‌ها و طلاب علوم دینی تصمیم گرفتند مسئولیت جنبش اخوان المسلمین را در سوریه به عهده گیرند. آنها می‌خواستند با همان عنوان مشخص شوند و سازمانی به‌صورت رسمی وابسته به جنبش به‌وجود آورند، اما به‌علت خشونت رژیم قیمومت (فرانسه) مجبور شدند با عناوین مجازی فعالیت کنند. انجمن‌های مجاز دارالارقم (خانه ارقم) در حلب تأسیس شد و سپس انجمن اخوان المسلمین در حما و انجمن‌های دیگری نیز در بیروت، طرابلس، دیرالزور و لاذقیه برپا شدند. به‌طور کلی، آنها گروهی واحد با نام‌های متعدد بودند. آنها یکدیگر را به نام «شباب محمد» (جوانان محمد) می‌شناختند. این گروه‌ها علاوه بر توجه به مسائل فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی دو سازمان شبه نظامی سرایا و فتوه را به‌وجود آوردند. (بی‌نا، ۱۳۸۹ ب: ۶)

در سال ۱۹۴۴، کنفرانسی در حلب برگزار و در آن تصمیم گرفته شد که اداره مرکزی آن شهر منحل و کمیته مرکزی عالی «مرکب از نمایندگان تمامی مراکز» در دمشق تشکیل شود. قرار بود این کمیته مرکزی، دفتری دائمی به ریاست سرپرست کل، شیخ مصطفی السباعی، داشته باشد و جلسات منظمی برگزار کند. نماینده‌ای از اخوان المسلمین مصر در این کنفرانس شرکت کرد و پس از تماس با کنفرانس اخوان المسلمین در مصر و فلسطین، قرار شد تمامی انجمن‌های پراکنده که در خط و مسیر اخوان المسلمین بودند، با عنوان «اخوان المسلمین» گرد آمده و آیین‌نامه خود را یگانه کنند. با اتحاد در نام و اهداف،

انجمن‌های یادشده به مرحله جدیدی قدم نهادند و قدرت و اعتبار بیشتری کسب کردند. خانه نشر و چاپ عرب (دار الطباعة و النشر العربیة) در حلب تأسیس شد و روزنامه «المنار» را منتشر کرد که هنوز هم در سوریه به فعالیت‌های انتشاراتی خود ادامه می‌دهد (هرچند دیگر سخنگوی رسمی اخوان المسلمین نیست). همچنین کارخانه نساجی به همت اخوان المسلمین دایر شد. (بی‌نا، ۱۳۸۹ هـ: ۱۵)

پس از وحدت مراکز سوریه و لبنان در عنوان و اهداف با اخوان المسلمین مصر در سال ۱۹۴۶، کنفرانس دیگری در «بیرد» تشکیل شد و در آن، اهداف و برنامه‌های اخوان المسلمین سوریه بدین شرح اعلام گردید:

۱. آزادی و اتحاد ملت و حمایت و پشتیبانی از مکتب آن و تنظیم قوانین اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر مبنای اسلامی؛

۲. اخوان المسلمین حزبی مانند احزاب دیگر نیست. هدف آنان نه تبلیغ شعارهای اصلاح‌طلبانه، که اصلاح است؛ اصلاحی که از ویژگی‌ها و بینش دینی ملت برمی‌خیزد. آنها برای رسیدن به این هدف با امپریالیسم در تمامی جنبه‌ها و شکل‌هایش مبارزه می‌کنند و به هر جنبش ناسیونالیستی ضد امپریالیستی که برای اعتلای سرزمین آبا و اجدادی اسلام می‌جنگد، کمک می‌کنند و این جنبش تمامی ابعاد اقتصادی، اخلاقی، ملی، سیاسی، فرهنگی، رزمی و سایر جنبه‌های اصلاحی را در بر می‌گیرد؛ زیرا حرکت ایشان اسلامی بوده و اسلام دینی کامل و جامع است؛

۳. اخوان المسلمین، ملت را به‌طور کل و جدای از اختلافات فرقه‌ای به همکاری فرا می‌خواند و همه تلاش‌هایی را که برای متفرق کردن و جداسازی صفوف ملت به نام مذهب یا دین به کار می‌رود، محکوم می‌کند و بر این اعتقاد است که این‌گونه تلاش‌ها، در نهایت به نفع امپریالیسم خواهد بود؛

۴. با توجه به مشکلات داخلی، اخوان المسلمین خواستار رفرمی بنیادین در حکومت از راه اجرای بی‌طرفانه قوانین است. آنان همچون اخوان المسلمین مصر، خواهان رفرمی حکومتی بر مبنای اسلام هستند و مردم را به توجه بیشتر به فرهنگ، اخلاق، تحصیلات، امور اقتصادی، کشاورزی و صنعتی فرامی‌خوانند. (موسوی الحسینی، ۱۳۸۷: ۱۴۰ - ۱۳۵)



اخوان المسلمین از اینکه فرقه‌ای مذهبی جلوه کنند، پرهیز داشتند. آنان معتقد بودند که حرکتشان بازگشت به سوی تعالیم اساسی و حقیقی ادیان است و تمامی ادیان در امور ویژه‌ای یکسان و مشترک هستند. اخوان معتقد بود در پیام ایشان شناختی نهفته است که تمامی خلق‌ها را به سوی هدفی واحد فرا می‌خواند و حرکت ایشان به حد کافی سعه صدر دارد که بتواند مبلغان مسیحی را نیز در خود بپذیرد و با آنان به گفتگو بنشیند. اخوان المسلمین به رشد خود ادامه داد و در طی جنگ فلسطین، گردانی رزمی به فرماندهی شیخ مصطفی السباعی، سرپرست کل اخوان المسلمین سوریه، تشکیل شد.

شکست ۱۹۴۸ اعراب از اسرائیل به توسعه و گسترش اخوان کمک کرد. همین امر سبب شد تا سرهنگ «ادیب شیشکلی» در سال ۱۹۵۲ به سرکوب آنها پردازد و فرمان انحلال آنها را به اتهام سیاسی بودن - با وجود اینکه گروهی صرفاً مذهبی هستند - اعلام کند.

اخوان در دوران وحدت مصر و سوریه (۱۹۶۱ - ۱۹۵۸) فعال نبود؛ زیرا بیشتر حامیان سنی شهری و طبقه متوسط آن به طرف ناصر گرایش داشتند. در واقع سباعی در ۱۹۵۸، برای برآوردن آرزوهای ناصر، گروه خود را منحل اعلام کرد. پس از جدایی مصر و سوریه اخوان توانست ده کرسی در پارلمان را به دست آورد، اما این موفقیت، کوتاه بود و پس از قدرت‌یافتن حزب بعث در مارس ۱۹۶۳، اخوان به شدت سرکوب شد و «عصام عطار»، رهبر جدید اخوان، تبعید گردید. (دکمجیان، ۱۳۸۵: ۲۰۲)

حزب بعث به عنوان حزبی سکولار، خواهان جدایی دین از سیاست است و دخالت مذهب در اداره امور سیاسی و اجتماعی را بر نمی‌تابد. این تفکر سکولاریزه در تمامی سال‌ها جریان داشته و حتی امروزه حکومت سوریه به عنوان سکولارترین کشور عرب به‌شمار می‌رود؛ بالطبع اخوان المسلمین همواره نسبت به سکولاریزه کردن کشور حساس بوده و واکنش نشان داده است. (بن‌چناری، ۱۳۸۲: ۱)

در سال ۱۹۷۳ به هنگام تدوین قانون اساسی غیرمذهبی توسط حافظ اسد، شورش‌ها و تظاهرات وسیعی به رهبری اخوان در گرفت. اسد فوراً به اصلاح قانون اساسی دست زد و مقرر شد رئیس‌جمهور باید مسلمان باشد. اسد برای خنثی کردن انتقاد بدگویان بنیادگرای خود، در سال ۱۹۷۴ به حج عمره رفت و از آن زمان طبق معمول در نمازهای جمعه یکی از



مساجد دمشق شرکت کرد. (بی‌نا، ۱۳۸۳: ۱)

در اواسط دهه ۱۹۷۰، «عدنان سعدالدین» رهبری اخوان المسلمین را به دست گرفت و چند مرحله بر ضد رژیم بعث جهاد کرد. علت این اقدامات نقش سوریه در جنگ داخلی لبنان، فساد حکومتی، رشد تجارت مصرفی و تورم سرسام‌آور بود؛ اما دلیل اصلی مخالفت اسلامی، پیشرفت علوی‌ها در رژیم و فرسایش قدرت و موقعیت اقتصادی سنی‌ها بود. در حالی که سنی‌ها پست‌های مهمی در ارگان‌های سیاسی (کابینه، قوه قضائیه، و حزب) به عهده داشتند، اما قدرت نظامی مؤثر در دست حافظ اسد و خویشاوندان علوی او بود. (دکمجیان، ۱۳۸۵: ۲۳۰)

اولین مرحله جهاد در سال ۱۹۷۶ آغاز شد و چریک‌ها، رهبران علوی، مأموران امنیتی و مقامات حزبی را هدف قرار داد. مرحله دیگر جهاد در ژوئن ۱۹۷۹ با کشتن ۳۸ دانشجوی علوی دانشکده افسری در حلب و صلات بود که حمله چشمگیر دیگری به ساختمان‌های دولتی، مراکز پلیس و مراکز حزب بعث آغاز شد. در مارس ۱۹۸۰، در هفدهمین سالگرد کودتای حزب بعث، اعتصاب و اعتراض گسترده شهرهای سوریه را فراگرفت و فلج کرد. اخوان المسلمین در سازماندهی این اعتراض‌ها نقش محوری داشت. در همان سال سوءقصدهی نافرجام به جان حافظ اسد صورت گرفت که به اخوان المسلمین نسبت داده شد. این اتفاق سبب دستگیری و اعدام ده‌ها عضو اخوان شد. این کشمکش میان اخوان و دولت حافظ اسد تا سال ۲۰۰۰ (هنگام مرگ او) ادامه یافت. (بی‌نا، ۱۳۸۳: ۳)

بعد از به قدرت رسیدن بشار اسد، فضای سیاسی جدیدی بر سوریه حاکم شد و بسیاری از اعضای اخوان از زندان‌های سوریه آزاد شدند. با اینکه رهبری اخوان المسلمین سوریه همچنان در تبعید است، اما بسیاری از سوری‌ها از این سازمان حمایت می‌کنند. رهبران این جنبش در ژانویه ۲۰۰۶، در میان تحولات سوریه در مصاحبه‌هایی خواستار تبعید مسالمت‌آمیز و بدون خشونت دولت در دمشق و استقرار یک حکومت مدنی دموکراتیک در این کشور شدند. (امامی، ۱۳۸۸: ۱۸۴)

### اخوان المسلمین سوریه و تشکیل حکومت اسلامی

اخوان المسلمین سوریه، برخلاف اخوان المسلمین مصر، تا سال ۱۹۸۰ به دنبال تشکیل

حکومت اسلامی نبود و شاید این یکی از ضعف‌های این تشکل است. گرایش به تشکیل حکومت را می‌توان در پنج مرحله توصیف کرد:

مرحله اول: اخوان سوریه در آغاز پیدایش خویش در سال ۱۹۳۷، به تشکیل حکومت اسلامی اشاره‌ای نکردند. از دیدگاه سیاسی، خواسته آنان رهایی کشورهای عرب و اسلامی از یوغ امپریالیسم و نفوذ خارجی بود و دربارهٔ سیاست داخلی چنین اظهارنظر می‌کردند:

اصلاح و برطرف‌نمودن عیوب سیستم سیاسی بدین منظور که مردم بتوانند نمایندگان خود را به شیوه‌ای مطمئن و بدون تقلب و بی‌ترس و واهمه از حکومت انتخاب نمایند؛ نمایندگانی که به‌هیچ‌وجه تحت نفوذ قدرتی قرار نگیرند و امور حکومتی را بی‌طرفانه مورد انتقاد و نظارت قرار دهند. خواسته آنان هم به‌این ترتیب بود: اصلاح هنجارها، قوانین و دادگاه‌ها به‌گونه‌ای که عدالت در میان مردم تحقق یابد، حقوق افراد ذی‌حق استیفا گردد، خودکامگی، تجاوز و تباهی باز داشته شوند. اولین هدف اساسی آنان هم توضیح و تفسیر پیام قرآن، قانون اساسی اعراب و مسلمانان بود به شیوه‌ای که با شرایط زمان کنونی مناسب باشد و اسلام به مردم، به‌عنوان سرآمد مکتب‌ها، معرفی شود. (موسوی الحسینی، ۱۳۸۷: ۱۴۱ و ۱۴۲)

مرحله دوم: از سال ۱۹۴۶ و در زمان اوج قدرت اخوان‌المسلمین در مصر آغاز شد. آنها تصمیم گرفتند با توجه به قدرت انعطاف اصول اساسی اسلام (یعنی قرآن، سنت، اجماع و قیاس) این دین را با شرایط زمانه تطبیق داده و سعادت ملت‌های کشورهای مختلف را از نظر مادی و معنوی، تأمین کنند. آنها همچنین بر این باورند که اسلام، مکتب عبادت، اخلاق، قانون، مذهب و حکومت است. آنها در آن زمان هیچ‌گاه به مسئله قانون اساسی و سیستم حکومتی توجهی نمی‌کردند.

مرحله سوم: از سال ۱۹۵۱ که قانون اساسی جدیدی برای حکومت سوریه نوشته می‌شد، شروع گردید. اخوان‌المسلمین خواهان آن شدند تا همان‌گونه که در مصر، اردن، عراق، ایران، افغانستان، عربستان سعودی و یمن، اسلام دین رسمی است، در قانون اساسی سوریه نیز اسلام به‌عنوان دین رسمی اعلام شود، اما دولت سوریه این مسئله را نپذیرفت و فقط اعلام شد که دین رئیس‌جمهور اسلام باشد. به‌این ترتیب، در تقاضای اخوان‌المسلمین اندکی تغییر داده شد و ظاهراً

خواسته اکثریت را پذیرفتند، یا دست کم بدان گردن نهادند. (احمدیان کاظم‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۵)

به هر حال می‌توان گفت که هدف اساسی از این خواسته، ایجاد حکومتی مذهبی نبود؛ زیرا اصولاً چنین دیدگاهی در این تشکل وجود نداشت و یا بسیار کم‌رنگ بود. حکومت‌های یادشده هم هیچ‌یک حکومت الهی نبودند، بلکه تمامی آنها شهروندان خویش را در دین و مراسم

عبادتی آزاد گذاشتند و حتی بسیاری از آنها ساختار حکومت خود را اروپایی (مدرن) کردند.

مرحله چهارم: از سال ۱۹۷۶ آغاز شد و دلیل اصلی آن، پیشرفت علوی‌ها در رژیم است. اخوان در این مرحله، خواهان سهمی از قدرت است نه تشکیل حکومت اسلامی. (بی‌نا، ۱۳۸۳: ۸)

مرحله پنجم: با شکست اخوان در سال ۱۹۸۰ و تأسیس جبهه اسلامی سوریه شروع شد. جبهه اسلامی به دبیر کلی «شیخ محمد ابوالنصر البینونی» و بعضی علما و گروه‌های کوچک‌تر اسلام‌گرا تشکیل شد. این جبهه در ۹ نوامبر ۱۹۸۰، اعلامیه‌ای را صادر و برنامه‌هایش را بدین شرح اعلام کرد:

۱. درخواست از عقلای جامعه علوی مبنی بر سرنگونی رژیم برادران اسد به‌منظور جلوگیری از تراژدی جنگ داخلی؛
۲. درخواست رهایی تمام شهروندان از ستم استبداد، از بین بردن زندان‌های سیاسی، برقراری آزادی فکر و بیان و حفظ حقوق اقلیت‌ها؛
۳. درخواست تشکیل یک حکومت معتقد به تفکیک قوا و دولت قانونی متکی به شورا که شرافت فردی و آزادی را تضمین کند؛
۴. حمایت از مالکیت کامل کشاورزان بر زمین‌هایشان و کوتاه کردن دست واسطه‌ها و دولت از بخش کشاورزی؛
۵. انتقال مالکیت صنایع ملی از دولت به کارگران به‌عنوان پاداش کافی؛
۶. مخالفت با نقش دولت به‌عنوان تاجر، حمایت از بخش آزاد خصوصی در تجارت و صنعت و تشویق صنعت‌گران؛
۷. تعهد به سوسیالیسم اسلامی برای گسترش عدالت اجتماعی در قانون شرع اسلامی؛
۸. تعهد به جهاد به‌عنوان وظیفه‌ای بسیار مهم در اسلام به‌منظور تبدیل رژیم فرقه‌ای فعلی به حکومتی اسلامی؛

۹. تقویت ناسیونالیسم و وحدت عربی در محیط بزرگ‌تر همبستگی اسلامی؛

۱۰. بی‌طرفی در امور خارجی؛

۱۱. مخالفت سازش‌ناپذیر با اسرائیل و صهیونیسم. (دکمجیان، ۱۳۸۵: ۲۱۰ - ۲۰۸)

تنها در مرحله پنجم و از سال ۱۹۸۰ است که اخوان‌المسلمین به‌طور نسبی خواهان تشکیل حکومت اسلامی می‌شود. در سال ۱۹۸۲، اخوان‌المسلمین به‌طور گسترده شورش می‌کند و شهر حماه را به کنترل خود درمی‌آورد. درگیری بین ارتش و اخوان سه هفته طول می‌کشد و ارتش به بمباران هوایی شهر حماه می‌پردازد که در این درگیری‌ها ۲۵۰۰۰ نفر غیرنظامی کشته می‌شوند و اخوان به‌شدت ضعیف می‌شود. اخوان در دهه ۱۹۸۰، به‌دلیل تلفات وارده و اختلاف میان رهبران بلندپایه (معتقدان به اصول به رهبری عدنان عقله و سازش‌طلبان به رهبری عدنان سعدالدین) و درگذشت رهبرانی همچون بینونی (۱۹۸۸) و سعید حوا (۱۹۸۹) ضعیف شد. (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۳۰ - ۱۲۹)

گرچه شورش‌های مسلحانه در دهه ۱۹۹۰ همانند دهه ۱۹۸۰ نبود، ولی رهبران اخوان‌المسلمین در تبعید اقدامات حکومت را نقد می‌کردند؛ از جمله خانواده اسد را متهم کردند که به دلیل پول، حاضر به تجارت و صلح با اسرائیل شده است. (امامی، ۱۳۸۸: ۱۸۵)

در سال ۲۰۰۰، حافظ اسد فوت کرد. برخی گفتند که احتمالاً اخوان بر ضد جانشین او، بشار اسد، شورش می‌کند. (بی‌تا، ۱۳۸۹: ۳) ولی در واقع اخوان سوریه چنان ضعیف شده بود که نتوانست علیه دولت نوپای بشار اسد اقدامی کند. با وجود افول جنبش اخوان‌المسلمین، این روند با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، متحول شد. وقوع این حوادث و شروع تبلیغات ضداسلامی غرب و حمله آمریکا به دو کشور اسلامی افغانستان و عراق و تهدیدات آمریکا و اسرائیل نسبت به سوریه سبب شد احساسات اسلام‌گرایانه در میان کشورهای خاورمیانه و از جمله سوریه تا حدودی شدت بگیرد. دولت بشار اسد درصدد برآمد تا با حمایت اسلام‌گرایان جدید به‌ویژه اخوان، از آنان برای مقابله با تهدیدات خارجی استفاده کند. همین امر، عامل اصلی گسترش اخوان در سال‌های اخیر است. در واقع دولت سوریه با بازکردن فضا برای فعالیت گروه‌های اسلام‌گرا زمینه فعالیت مخالفان خود را فراهم کرد.

با وجود بسترهای به‌وجودآمده، جنبش اخوان‌المسلمین به دلایلی (که در پی خواهد آمد)

نتوانست نیرویی مؤثر در سیاست‌های داخلی و خارجی سوریه باشد:

۱. وجود اختلاف در میان اعضا بر سر مسئله روش مبارزه علیه دولت؛
۲. تلاش و اقدامات دولت برای اصلاح ساختار سیاسی و اقتصادی کشور. (احمدیان کاظم‌آبادی، ۱۳۸۷)

### تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش اسلامی اخوان المسلمین سوریه

وقوع انقلاب اسلامی در دورانی که دو ایدئولوژی لیبرالیسم و سوسیالیسم، جهان را تفسیر و تقسیم کرده بودند، با تأکید بر اسلام به‌عنوان ایدئولوژی حاکم بر انقلاب، نشان از دین‌گرایی این انقلاب داشت. در واقع می‌توان گفت در زمانی که هیچ‌کس به دین به‌عنوان یک ایدئولوژی اثرگذار نگاه نمی‌کرد و حتی جنبش‌ها و نهضت‌های اسلامی در رکود و ناامیدی به سر برده و آرمان‌های خود را بیشتر در قالب ایدئولوژی سوسیالیستی دنبال می‌کردند و دین در انزوا قرار گرفته بود، پیروزی انقلاب اسلامی ایران - که بر مبنای ارزش‌های دینی و اسلامی صورت گرفت - دوباره دین را به‌عنوان یک موتور محرکه و اثرگذار در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی که توان بسیج توده‌های مردم را دارد، برجسته کرد. این انقلاب خون تازه‌ای در رگ‌های جنبش‌ها و نهضت‌های اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و سایر مناطق اسلامی جاری کرد. سرانجام، بهار ملت‌های مسلمان عرب فرا رسید و با تأسی و الهام از انقلاب اسلامی ایران و مبارزه با حکام سرسپرده و قدرت‌طلب خود ساختار نظام بین‌الملل را نیز به چالش کشیدند و موجی از حرکت و بیداری اسلامی را در جهان به‌وجود آوردند.

انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم گذاشت. منظور از تأثیر مستقیم آن است که این دسته از گروه‌های اسلامی در اثر ارتباط مستقیم با ایران و گاه با تشویق و تأیید جمهوری اسلامی ایران به‌وجود آمدند؛ اما تأثیر غیرمستقیم بدین معناست که وقوع انقلاب اسلامی و اهمیت آن سبب شد تا جنبش‌های اسلامی که از قبل وجود داشته و گسترده هم بودند - اما به علل مختلف منفعل شده بودند - فعال شده و به‌طور مستقل در پی جامعه سیاسی اسلامی باشند. (بحرانی، ۱۳۸۵: ۱۸)

درباره تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی باید گفت در برخی کشورهای اسلامی تا قبل از وقوع

انقلاب ایران حرکت‌ها و جنبش‌های مذهبی، یا به‌طور کلی وجود نداشتند و یا فعالیتشان چشمگیر نبود. در واقع در این کشورها گروه‌های اسلامی دو نوع هستند: نخست، جنبش‌هایی که قبل از انقلاب اسلامی ایران وجود نداشتند و تنها پس از آن تأسیس شدند و دست به فعالیت زدند، مثل حزب‌الله در لبنان، حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و جبهه اسلامی برای آزادی بحرین در کشور بحرین؛ دوم، گروه‌ها و جنبش‌هایی که هرچند قبل از انقلاب اسلامی به‌طور رسمی تأسیس شده بودند، اما فعالیت عمده و گسترده‌ای نداشتند و بیشتر به اقدامات اسلامی در سطح کوچک بسنده می‌کردند و سیاست انفعالی در برابر دولت‌های حاکم داشتند. این گروه دوم پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و با الگوگرفتن از آن، سیاست فعالی در پیش گرفتند و از نظر کمی و کیفی رشد کردند؛ مانند جنبش امل در لبنان و سازمان انقلاب اسلامی در عربستان. (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۴)

می‌توان گفت که تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی به دو صورت تشکیل‌دهنده و گسترش‌دهنده جنبش اسلامی خود را نشان داد. جنبش‌های اسلامی در کشورهای لبنان، عراق، کشورهای کوچک حوزه خلیج فارس، عربستان، تونس، فلسطین و شمال آفریقا تحت تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی بود.

انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی در کشورهای مصر و سوریه به‌علت سابقه طولانی اخوان المسلمین در آنها تأثیر غیرمستقیم داشت؛ این تأثیر به دو صورت بوده است:

۱. رادیکال شدن خط‌مشی برخی از جنبش‌های اسلامی و توسل آنها به شیوه‌های قهرآمیز؛
۲. فعال شدن مجدد جنبش‌هایی که میانه‌رو بودند و در برابر دولت‌ها به شیوه‌های مسالمت‌آمیز رفتار می‌کردند. (احمدی، ۱۳۶۹: ۱۱) نمونه رادیکالیسم در مصر سازمان الجهاد به رهبری «عبود الزمر» بود که در سال ۱۹۸۱، انور سادات را ترور کرد. به گفته عبود الزمر، الجهاد می‌کوشید به شیوه انقلاب ایران در جریان یک انقلاب مردمی و اجتماعی مردم را در برابر ارتش مصر قرار دهد و میان صفوف ارتش اختلاف ایجاد کند. نمونه فعال شدن مجدد در مصر، اخوان المسلمین بود که فعالیت خود را گسترش داد و کتابی با عنوان «خمینی آترناتیو اسلامی» منتشر کرد و در آن امام خمینی و جمهوری اسلامی را تنها راه‌حل اسلامی برای نظام‌های وابسته دانست.

در مورد تأثیر انقلاب ایران بر جنبش اسلامی سوریه می‌توان گفت جنبش اسلامی سوریه، بهترین نمونه رادیکال‌شدن گروه‌های اسلامی با اثرپذیری از انقلاب ایران بود. جنبش اخوان المسلمین سوریه در دهه ۱۹۸۰، فعالیت‌های خود را بر ضد دولت بعث گسترش داد و به نبرد مسلحانه وسیع و گسترده متوسل شد. اگرچه اخوان سوریه همیشه از اخوان مصر تندروتر بوده است، اما شدت این تندروی تا قبل از دهه ۱۹۸۰، چندان مشهود نبود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در فوریه ۱۹۷۹، حملات اخوان بر ضد رژیم بعث گسترش یافت و درصدد برآمد تا با همکاری جنبش اسلامی سوریه به شیوه مسلمانان ایران به یک انقلاب اسلامی متوسل شود. رویارویی با رژیم، چهار ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران (ژوئن ۱۹۷۹) آغاز شد و طی آن اخوان المسلمین به مدرسه نظامی سوریه در «اله پو» حمله کردند. در این تهاجم تروریستی، دانشجویان نظامی را در ساختمانی حبس کردند و از بیرون با سلاح‌های خودکار و بمب‌های آتش‌زا، ۸۳ تن از آنان را به قتل رساندند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۱۲/۸)

برای سازمان دادن این عملیات بر ضد دولتی که به داشتن نظام امنیتی معروف بود، اخوان المسلمین به حمایت‌های همزمان سوریه و اردن تکیه کرد. دو کشور اردن و اسرائیل کوشش چندانی هم نکردند که این حمایت را مخفی نگه دارند و رسماً برای جنگجویان اخوان المسلمین در لبنان و شمال اردن، نزدیکی‌های مرز سوریه، پایگاه‌های آموزش نظامی ایجاد کردند. اسرائیل کمک‌هایی را به سمت لبنان سرازیر کرد که بخشی از آن، سهم نیروهای لبنان آزاد<sup>۱</sup> بود. این ارتش غیردولتی، مرکب از نظامیان مسیحی و عده‌ای هم شیعه در جنوب لبنان بود که به فرماندهی «سرگرد سعد حداد» اداره می‌شد. در گرماگرم جنگ داخلی لبنان، در سال ۱۹۷۸، اسرائیل بیست‌هزار سرباز به لبنان فرستاد که در عقب‌نشینی، قسمتی از لبنان را در سلطه نیروهای لبنان آزاد به رهبری سرگرد سعد حداد باقی گذاشت که تا اواسط ۱۹۸۰ متحد اسرائیل باقی ماند. در سلسله بیانیه‌هایی که سرگرد حداد در اوایل دهه هشتاد صادر می‌کرد، لاف می‌زد که به اخوان المسلمین آموزش نظامی می‌دهد. (دریفوس، ۱۳۸۴: ۲)

1. Free Lebanon Force.



دولت سوریه در ژوئیه ۱۹۸۰، مجازات همکاری با اخوان را مرگ اعلام کرد. در اکتبر ۱۹۸۰، اخوان در سوریه در ائتلاف با چند گروه دیگر اسلامی، جبهه اسلامی سوریه (الجبهة الاسلامیة فی سوریا) را به وجود آورد و در نوامبر ۱۹۸۱، سندی با عنوان «بیانیه انقلاب اسلامی در سوریه و برنامه آن» (بیان الثورة الاسلامیة فی سوریا و منهاجها) منتشر و اهداف خود را در آن بیان کرد. سرنگونی رژیم بعث، اصل نخست بیانیه بود و یکی از اهداف دیگر آن، جهاد مسلحانه بر ضد نظام و تبدیل حکومت بعث به یک حکومت اسلامی بود. (صدیقی، ۱۳۸۶: ۴۵)

شورش‌های گسترده شهر حماه و حلب در فوریه ۱۹۸۲، اوج درگیری جبهه اسلامی با حکومت بعث بود. این قیام سه هفته طول کشید و با سرکوب شدید نیروهای اخوان توسط ارتش پایان یافت. به گفته منابع غیررسمی، در این درگیری‌ها که شامل بمباران هوایی شهر حماه بود، ۲۵۰۰۰ نفر غیرنظامی کشته شدند. رهبران عمده جبهه اسلامی نیز به خارج گریختند. اخوان المسلمین سوریه، همچنین از تن دادن نظام حاکم به فشارهای خارجی و خودداری از پذیرش ابتکار عمل احزاب و نیروهای سیاسی سوری برای برقراری آشتی ملی انتقاد کرد. این گروه که همچنان اعضای آن طبق قانون شماره ۴۹ سال ۱۹۸۰ سوریه با مجازات اعدام روبه‌روست، این ادعا را که کنگره ملی حزب بعث راه‌گشای اصلاحات داخلی خواهد بود، رد کرد و خواستار اقدام جدی برای تشکیل یک کنگره ملی شد که همه گرایش‌های فکری و احزاب سیاسی را در برگیرد. اخوان المسلمین سوریه در بیانیه خود توصیه کرد: لغو ماده هشتم قانون اساسی که حزب بعث را حزب رهبر جامعه می‌داند، باید در اولویت برنامه‌های کنگره ملی باشد و در کنار قانونمندی فعالیت احزاب، انتخابات آزادی برای تأسیس جمعیت ملی پارلمان برگزار و کمیته بی‌طرفی برای تدوین قانون اساسی سوریه تشکیل شود. این گروه در فراخوان خود پیشنهاد کرد که کنگره ملی حداکثر در چند ماه آینده تشکیل بشود، تا گام‌های واقعی برای ایجاد اعتماد میان نظام حاکم و نیروهای سیاسی سوری برداشته شود. (روزنامه ایران، ۱۳۸۴/۱/۱۶)

جنبش اسلامی سوریه برای برپایی حکومت اسلامی از انقلاب ایران انگیزه زیادی گرفت و اخوان بارها بر این نکته تأکید کرد. آنها در ابتدا حمایت خود را از انقلاب اسلامی اعلام

داشتند. نشریه «الندیر» (ارگان جبهه اسلامی) سوریه در مه ۱۹۸۰، بیانیه‌ای چاپ کرد که در ماده اول آن گفته شده بود:

انقلاب اسلامی ایران، انقلاب تمام جنبش‌های اسلام در جهان اسلام است، هرچند که ممکن است مکاتب فکری مختلفی میان این جنبش‌ها وجود داشته باشد. (محمدی، ۱۳۸۶: ۲۱۷)

در ماده دوم بیانیه تأکید شده بود که هرگونه توسل به زور برضد انقلاب اسلامی ایران و هرگونه خیانت به آن از طرف دیگر، در آینده به تمام جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان ضربه خواهد زد. در این بیانیه از خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران در برابر آمریکا و غرب در جریان گروگان‌گیری سفارت آمریکا در تهران حمایت شده و از آمریکا خواسته شده بود که حملات خود بر ضد جمهوری اسلامی ایران را متوقف کند. جبهه اسلامی سوریه همچنین تأکید کرده بود که در طول هزار سال تاریخ گذشته اسلام هیچ حادثه‌ای نظیر انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام خمینی میان مسلمانان وحدت ایجاد نکرده است. (همان: ۲۱۸)

جبهه اسلامی سوریه اولین جنبش اسلامی بود که از اصطلاح انقلاب اسلامی استفاده کرد و در نشریات خود به انقلاب اسلامی سوریه اشاره نمود. به گفته جبهه اسلامی، انقلاب اسلامی سوریه همانند انقلاب اسلامی ایران، در غرب و شرق حامی ندارد. همچنین در بیانیه انقلاب اسلامی در سوریه، جمهوری اسلامی ایران تنها حکومت اسلامی موجود در جهان عنوان شده بود.

با وجود این، پس از حوادث ۱۹۸۲ و به‌ویژه سال ۱۹۸۳ نظر جبهه اسلامی و اخوان المسلمین به جمهوری اسلامی ایران تغییر کرد که علت اصلی آن حمایت نکردن جمهوری اسلامی ایران از اخوان در جریان شورش‌های ۱۹۸۲ بود. جبهه اسلامی از ادامه روابط حسنه میان ایران و سوریه دل‌گیر بود. به‌ویژه زمانی که دکتر علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه ایران و حجت‌الاسلام صادق خلخالی از اخوان المسلمین انتقاد کردند، جبهه اسلامی سوریه بسیار ناراحت شد. اخوان المسلمین اعلام کرد که با وجود حمایت بی‌دریغ از جمهوری اسلامی و امام خمینی در برابر آمریکا و رژیم صدام حسین، دولت ایران با رژیم کافر بعثی

حاکم بر سوریه از در دوستی درآمده است و اخوان را که مجاهدان فی سبیل الله هستند و برای برپایی انقلاب تلاش می کنند، امپریالیسم آمریکا می داند.

در سال ۱۹۸۳، اخوان المسلمین سوریه ادعا کرد که به هیئت جبهه اسلامی سوریه با رهبری «عدنان سعدالدین»<sup>۱</sup> اجازه ملاقات با امام خمینی در تهران داده نشده است و همین موضوع از نظر حامد الگار، عامل گرایش جناح‌هایی از اخوان به رژیم بعثی صدام حسین در عراق شد. به هر حال، بخش عمده‌ای از اعضا و رهبری جبهه اسلامی پایگاه‌های خود را به عراق منتقل ساختند و این گروه پس از چندی با فشار عراق حملات تبلیغاتی خود را برضد جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد.

مجله «الندیر»، ارگان جبهه اسلامی، از آن به بعد همواره برضد جمهوری اسلامی و مواضع آن مطالبی را منتشر کرد؛ با وجود این، تمامی رهبران جبهه اسلامی طرفدار عراق نبودند. مثلاً عدنان عقله، یکی از رهبران جبهه اسلامی سوریه، به دلیل طرفداری از ایران و نیز انتقاد از حمایت عدنان سعدالدین رهبر جبهه اسلامی از عراق، از این جبهه اخراج شد. برخی از رهبران جنبش اسلامی سوریه نظیر عصام العطار نیز رابطه خوبی با جمهوری اسلامی داشت و گفته بود که سیاست خارجی ایران در برابر سوریه را با توجه به مشکلات ایران در جنگ درک می کند. (موسوی الحسینی، ۱۳۸۷: ۱۵۰)

با توجه به برخی اصول، اعتقادات و اقدامات جنبش اخوان المسلمین طی سال‌های گذشته و با عنایت به نوع جهت‌گیری، خطامشی و رهیافت‌ها و راهبردهای انقلاب اسلامی دلایلی برای علاقه و یا توجه کمتر به این حرکت از سوی ایران توسط برخی صاحب‌نظران مطرح شده که بدین قرار است:

سلامت فکری حرکت مذهبی اخوان المسلمین از نظر رهبران انقلاب اسلامی تا حدودی مورد تردید است؛ زیرا برای مثال از ابتدا رهبران اخوان سوریه در مواضع اقتصادی خود به سوسیالیسم اسلامی عقیده داشتند. (عنایت، ۱۳۸۵: ۳۹)

بعضی علت آن را این دانسته‌اند که انقلاب ایران یک انقلاب شیعی بوده و جنبش اخوان،

---

1. Adnan Sdaldyn.

جنبشی سنی‌مذهب است که البته با توجه به نقش و جهت‌گیری کلی انقلاب اسلامی این دلیل چندان موجه نیست.

عده‌ای دیگر این مسئله را از زاویه دیپلماتیک برآورد کرده و مسئله حمایت دولت سوریه به‌عنوان یک کشور عربی در میان دیگر کشورهای عرب از ایران را مطرح کرده‌اند و علت آن را نیاز متقابل دو دولت با توجه به شرایط خاص زمانی دانسته‌اند؛ زیرا مسئله جنگ ایران و عراق و اختلاف عراق و سوریه، باعث نزدیکی دو دولت ایران و سوریه شده است. (محمدی، ۱۳۸۶: ۲۲۰ و ۲۲۱)

با این حال، در مجموع می‌توان گفت با وجود دلایل مطرح‌شده، انقلاب اسلامی ایران اثرهایی هرچند غیرمستقیم بر جنبش اخوان المسلمین سوریه داشته است.

### نتیجه

اخوان المسلمین سوریه شاخه‌ای از اخوان المسلمین مصر بود که با آن عقایدی مشابه داشت؛ با این تفاوت که برخلاف اخوان مصر تا سال ۱۹۸۰، به‌دنبال تشکیل حکومت اسلامی نبود، به نوعی سوسیالیسم اسلامی اعتقاد داشت و رادیکال‌تر از اخوان مصر بود. این جنبش در ابتدا برای مبارزه با رژیم قیمومت فرانسه و استعمار و افزایش توجه مردم به اسلام به‌وجود آمد و پس از استقلال سوریه و قدرت‌گرفتن رژیم سکولار بعث، مبارزه با این رژیم را هدف خود قرار داد. از تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در سوریه به‌عنوان بهترین نمونه می‌توان از تحرک دوباره جنبش اخوان المسلمین در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۲ یاد کرد که تقریباً پس از یک دهه رکود، تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران، مبارزات و فعالیت‌های خود را گسترش داد و نبرد مسلحانه وسیعی برضد رژیم بعث سوریه آغاز کرد.

جنبش اسلامی سوریه درصدد برآمد تا به روش انقلاب ایران، یک انقلاب اسلامی نیز در سوریه ایجاد کند. البته گفتنی است که اختلافات بین دولت سوریه و جنبش اخوان المسلمین در این کشور از زمان روی کار آمدن حزب بعث در این کشور آغاز شده بود، لیکن تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران، این رویارویی و اختلافات وارد مرحله جدیدتر و شدیدتری شد و به سمت مبارزات مسلحانه بر ضد دولت سوریه سوق پیدا کرد که هدف آن، براندازی دولت و

ایجاد یک حکومت اسلامی در این کشور بود. در مقابل، دولت سوریه نیز عکس العمل شدیدی در برابر مخالفان از خود نشان داد و به مقابله و سرکوب شدید مخالفان و جنبش اخوان المسلمین پرداخت.

از طرفی مبارزان سوری که مبارزات خود را برحق و آن را در راستای تحقق یک انقلاب اسلامی در سوریه می‌دانستند، متوقع کمک، همکاری و همدردی از طرف رهبران انقلاب اسلامی ایران بودند و انتظار داشتند که انقلاب اسلامی دولت سوریه را درباره سرکوب مبارزان محکوم کند و از جنبش‌های اسلامی سوریه حمایت نماید.

مردم و جنبش‌های سوریه در بین دیگر کشورهای عرب و کشورهای مسلمان منطقه بیشترین انگیزه برای برپایی یک حکومت اسلامی در سوریه را - بعد از حرکت‌های اسلامی در لبنان و عراق - از انقلاب اسلامی ایران گرفتند. رهبران و اعضای اخوان المسلمین بارها بر این مسئله، یعنی اثرپذیری حرکت‌های اسلامی سوریه از انقلاب اسلامی ایران از سوی سوریه تأکید کردند و در سال‌های ابتدای انقلاب اسلامی حمایت خود را از انقلاب اسلامی اعلان داشتند.

#### منابع و مأخذ

۱. آقایی، بهمن و خسرو صفوی، ۱۳۶۵، *اخوان المسلمین*، تهران، انتشارات رسام.
۲. احمدی، حمید، ۱۳۶۹، *مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم*، تهران، انتشارات سفیر.
۳. احمدیان کاظم آبادی، مرتضی، ۱۳۸۷، *جنبش اخوان المسلمین*، برگرفته از: <http://www.ahmadiank.blogfa.com/post-11.aspx>.
۴. امام خمینی، سیدروح الله، ۱۳۷۲، *صحیفه نور*، ج ۵، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۵. امامی، محمدعلی، ۱۳۸۸، *سیاست و حکومت در سوریه*، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۶. بحرانی، مرتضی، ۱۳۸۵، «جنبش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی»، *مجله الکترونیکی ویستا*، قابل دسترسی در سایت: <http://www.vista.ir/?view=context&id=216341>

۷. برزین، سعید، ۱۳۶۵، *تحول سیاسی در سوریه*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۸. بن چناری، میثم طار، ۱۳۸۲، «کنترل و بهره‌برداری دوگانه دولت سوریه با اسلام‌گرایان»، *روزنامه شرق*.
۹. بی‌نا، ۱۳۸۳، «سوریه، بنیادگرایی سنی علیه حکومت بعث(ا)»، نقل از کتاب *اسلام در انقلاب جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب*، نوشته هرایر دکمچیان، ترجمه حمید احمدی، تهران، انتشارات کیهان، قابل دسترسی در سایت:  
<http://www.bashgah.net/pages-15601.html>.
۱۰. بی‌نا، ۱۳۸۷، *سوریه*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، انتشارات وزارت خارجه.
۱۱. بی‌نا، ۱۳۸۹ الف، «آشنایی با سوریه»، *همشهری آنلاین*، قابل دسترسی در سایت:  
<http://www.hamshahri.org/News/?id=40267>.
۱۲. بی‌نا، ۱۳۸۹ ب، «اخوان المسلمین»، قابل دسترسی در سایت:  
[http://beta.tebyan.net/Archive/Society\\_Politics/2007/3/10/37901.html](http://beta.tebyan.net/Archive/Society_Politics/2007/3/10/37901.html)
۱۳. بی‌نا، ۱۳۸۹ ج «اخوان المسلمین؛ عملکردها و گرایش‌های سیاسی مذهبی»، کتابخانه تبیان، قابل دسترسی در سایت:  
<http://www.tebyan.net/index.aspx?CONTENT=&PageIndex=3&METADATAID=10636&PERSONALID=0&PID=102834&PageSize=1&VOLUME=1&NAVIGATEMODE=&BOOKID=10338&PARENTID=142066>
۱۴. بی‌نا، ۱۳۸۹ د، «حکومت بشار اسد»، قابل دسترسی در سایت:  
<http://www.siahatnoor.com/PostCate.aspx?PCID=251&dir=1>
۱۵. بی‌نا، ۱۳۸۹ هـ «حکومت، سازمان‌های اداری و سیاسی»، قابل دسترسی در سایت:  
<http://www.mfa.gov.ir/cms/cms/damascus/fa/CulturalPart/edari.html>
۱۶. حشمت‌زاده، محمدباقر، ۱۳۸۵، *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*، تهران، سازمان انتشارات.
۱۷. دریفوس رابرت، ۱۳۸۴، «چگونه ایالات متحده به فعال‌شدن اسلام‌بنیادگرا کمک کرد»، ترجمه فریدون گیلانی، برگرفته از:  
<http://www.Socialist Party Of Iran com>

۱۸. دکمچیان، هریر، ۱۳۸۵، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران، شرکت انتشارات کیهان.
۱۹. روزنامه ایران، ۱۳۸۴/۱/۱۶.
۲۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۱۲/۸.
۲۱. سعیدی، ابراهیم، ۱۳۷۴، سوریه، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۲. صالحی، محمد، ۱۳۸۷، «اخوان المسلمین»، سایت پیام آفتاب، قابل دسترسی در سایت: <http://islamworld2020.persianblog.ir/post/138>
۲۳. صدیقی، کلیم، ۱۳۸۶، مسائل نهضت‌های اسلامی، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، اطلاعات.
۲۴. عنایت، حمید، ۱۳۸۵، سیری در اندیشه سیاسی عرب از حمله ناپلئون به مصر تا جنگ جهانی دوم، تهران، انتشارات سپهر.
۲۵. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۶، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، سازمان انتشارات.
۲۶. مشکور، محمدجواد و حسن غروی اصفهانی، ۱۳۵۵، «علویان در سوریه»، مجله فرهنگ و هنر، دوره ۱۴، شماره ۱۶۳.
۲۷. موسوی الحسینی، اسحاق، ۱۳۸۷، اخوان المسلمین بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، انتشارات اطلاعات.
۲۸. ویکی‌پدیا، ۲۰۱۰، «سوریه»، برگرفته از سایت: <http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D9%88%D8%B1%DB%8C%D9%87>
۲۹. یوسفی اشکوری، حسن، ۱۳۷۸/۱۱/۹، «پیدایش و گسترش اخوان المسلمین»، نشریه همبستگی، شماره ۳۳۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی